

گفت‌وگو با محمد مهدی اسماعیلی
(وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)

عدالت و جمهوریت پنج‌جاه‌وهفتی‌ترین گفتمان

دولت سیزدهم چگونه با گفتمان عدالت و جمهوریت،
خوانشی اصیل از گفتمان انقلاب اسلامی را
صورت‌بندی کرد؟

■ اقتضای گفت‌وگو با وزیر این است که التفات داشته باشیم وزارت از اساس یعنی سیاست و او که وزیر می‌شود پیش از هر چیز باید سیاستمدار باشد. شما جزو معدود وزرای دولت هستید که جدای از مشغولیتی که به سیاست‌ورزی دارید، صبغه علمی هم در علوم سیاسی دارید و به پشتوانه یک فهم دانشگاهی از سیاست، وارد میدان سیاست‌ورزی شده و با امر سیاسی مماس شدید. به‌ویژه با توجه به اینکه از مؤثرترین افراد ستاد آیت‌الله رئیسی نیز بودید، جا دارد برای سؤال اول از جامعه‌شناسی سیاسی در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ و سیزدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری شروع کنیم. در سال ۱۴۰۰ چه برداشتی از وضعیت کشور داشتید که به این نتیجه رسیدید باید دولتی با ریاست دگتر سیدابراهیم رئیسی بر سر کار بیاید؟

برای پاسخ به این سؤال باید تحولات منتهی به ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ را بررسی کنیم تا بشود دقیق‌تر قضاوت کرد. رئیس‌جمهور محترم فعلی ما نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۶ نیز بود و آن سال هم توفیق داشتم که در کارزار انتخاباتی خدمت ایشان باشم. آن روز اجماعی در درون جبهه انقلاب شکل گرفته بود که برای مدیریت اجرایی کشور به شخصیتی نیاز است که چند ویژگی داشته باشد. مهم‌ترین ویژگی آن شخصیت این بود که فکر روشن، ادبیات ساده، درعین‌حال متقن، و نسبت بسیار وثیق و نزدیکی با گفتمان انقلاب اسلامی داشته باشد. سال ۱۳۹۶ هم در نهایت جبهه انقلاب درباره آمدن آقای رئیسی یکپارچه شد و وفاق داشت؛ زیرا حس می‌کردند ادبیات و گفتمانی که آقای رئیسی دارد نزدیک‌ترین ادبیات و گفتمان به اندیشه تراز انقلاب اسلامی است. این خیلی مهم است. شاید بعد از رهبر شدن آیت‌الله خامنه‌ای و پایان ریاست‌جمهوری ایشان چنین حسی را در بخش‌های مختلف جبهه انقلاب نداشتیم. شاید در زمان آقای هاشمی، نمی‌خواهم مطلق بگویم، در آن چهار سال اول در سطح عمومی چنین برداشت و رویکردی داشتیم؛ چهره‌ای که فرمانده جنگ و موردا اعتماد امام بوده این تصویر را ایجاد می‌کرد، ولی از آن مقطع خیلی فاصله گرفته بود. تجربه هشت سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ هم در کار بود؛ سابقه‌ای که جریان انقلاب محکم پشت‌سر فردی آمد که گمان می‌شد می‌تواند ادبیات و گفتمان انقلاب را احیا کند؛ ولی تجربه ناموفقی شد. جبهه انقلاب خیلی با احتیاط عمل می‌کرد؛ اما در بازه ۱۳۹۵-۱۳۹۶ اجماعی شد که آقای رئیسی در مقابل رئیس‌جمهور مستقر آمد و به نظرم این انتخاب خیلی کار دشواری بود. چهار سال بود که کشور به لحاظ معدل‌های کلی حکمرانی از حیث ثبات اقتصادی، از حیث ارتباطات خارجی و مسائل داخلی با بحرانی درگیر نبود و یک جریان عمومی در داخل و یک اجماع نسبی هم بین جریان‌های اعتدالی و اصلاح‌طلب و حتی بخش‌هایی از بدنه اصول‌گرایی در همراهی با آقای روحانی بود، کم‌اینکه چند نفر از وزرای کابینه اول ایشان هم به همین گرایش نزدیک بودند. اقتضائات آن روز به‌نحو ملموس‌تر و به‌شکل مشهودتر در سال ۱۴۰۰ وجود داشت. در سال ۱۴۰۰ آن اتفاقات ولو



ویژنامه



ایران

چهارشنبه
۲ شهریور ۱۴۰۱